

بررسی میزان اعتماد اجتماعی ایرانیان نسبت به صاحبان مشاغل و اصناف کشور

* مهدی سبحانی نژاد

** جواد فعلی

*** محترم قبادی

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل میزان اعتماد اجتماعی ایرانیان به صاحبان مشاغل و اصناف کشور پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی و نمونه پژوهش شامل ۴۵۰۰ نفر از ساکنین ۱۵ سال و بالاتر مراکز استان‌های کشور بوده که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته و روائی و پایایی سنجی شده بوده است و داده‌های حاصل به دو شیوه توصیفی و استنباطی تحلیل آماری شده‌اند.

نتایج حاصل مبین در حال گذر بودن جامعه ایرانی و تأخر فرهنگی جامعه است به طوری که ساخت‌های جدید در جامعه به وجود آمده و این ساخت‌ها با ساخت‌های قدیمی هماهنگی ندارند. در نتیجه کسانی که پایگاه‌ها را اشغال کرده‌اند، انتظارات جامعه را به خوبی برآورده ننموده و باعث عدم پیش‌بینی‌پذیری رفتار افراد می‌شوند که این امر خود به بی‌اعتمادی بیشتر جامعه منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، گروه‌های شغلی، اصناف، مردم.

* استادیار دانشگاه شاهد تهران sobhaninejad@shahed.ac.ir

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد

*** پژوهشگر و کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۲۱

مقدمه

اعتماد اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در چند دهه اخیر با چشم انداز خاصی مطرح شده است به طوری که اندیشمندان متعدد از جمله اوچی آن را کلید موفقیت سازمانی دانسته و اوسلانر از آن به عنوان تسهیل گر روابط انسانی یاد کرده است (عباس زاده، ۱۳۸۲: ۲).

احساس اعتماد اجتماعی سازوکاری روان شناختی بوده که طی آن، پردازش اطلاعات راجع به دیگران انجام و حسب پردازش مذکور فرد نسبت به دیگران احساس اعتماد خواهد نمود. بدیهی است این پردازش مبتنی بر مجموعه‌ای از عوامل فردی و اجتماعی است که شخص طی تجارب فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان را کسب می نماید. به علاوه نوع و چگونگی آگاهی‌های فردی، شناخت، باورها، اعتقادات، نگرش‌ها، آرزوها و تمایلات فردی نیز در چگونگی احساس مذکور مؤثر خواهند بود (جورج، ۱۹۹۹: ۱۱).

میزان اعتماد پایین، می تواند روابط اجتماعی را دچار مشکل نموده و روابط اجتماعی افراد را به گروه‌های خویشاوندی محدود سازد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۷). اعتماد پایین، دست یابی جامعه به توسعه در جهات متعدد آن را با مشکل مواجه می سازد؛ به طوری که در جوامعی با سطح اعتماد اجتماعی پایین، افراد تمایلی به مشارکت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدنی نداشته و دایره اعتماد آنان در سرمایه گذاری و مشارکت‌ها محدود به خویشاوندان، دوستان و آشنایان خواهد شد (امیری، ۱۳۷۴: ۱۳).

افراد، در روابط متقابل با یکدیگر احتیاج به اعتماد متقابل دارند. انسان‌ها به اعتبار اعتمادی که به زبان، معانی، سمبل‌ها، اخلاق، دانش، تجربه، گفته‌ها، رفتارها، عملکردها و غیره دارند با یکدیگر وارد تعامل می شوند. اعتماد از عناصر مهم نظم اجتماعی است؛ نظمی که مناسبات، اعمال، رفتار و کنش‌های کنش‌گران را پیش‌بینی و قاعده‌مند می کند (گای بنوینیست، ۱۹۸۷: ۸۸). در جامعه سنتی که همچنان سنت‌ها غلبه دارد، اعتماد دایره‌ای محدود و خاص دارد و به خانواده و خویشاوندان محصور می گردد و خارج از گروه خویشاوندان و اعضای خانواده با بی اعتمادی نگریسته می شود و حتی به دیگران چون دشمن می نگرند (شکیبا به نقل از بنفلید، ۱۳۷۵: ۷۵).

در جوامعی که تمایزات اجتماعی گسترش یافته است، اعتماد متقابل نه تنها نسبت به خویشاوندان، آشنایان، خانواده و غیره وجود دارد بلکه اعتماد به چنین افرادی مانعی برای اعتماد به سایر گروه‌ها و پایگاه‌های اجتماعی نیست. لازمه زندگی جمعی در اجتماعات تمایز یافته، اعتماد به کلیه پایگاه‌های اجتماعی است (ورسلی، ۱۳۷۳: ۴۷۸).

جامعه ایرانی نیز کم و بیش در طی یکی دو قرن گذشته شاهد تحولات اجتماعی بوده که یکی از نتایج آن گسترش و تعمیم تمایزات اجتماعی است. از زمانی که صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی در ایران آغاز شد، قشرها و گروه‌های جدیدی در جامعه به وجود آمد و با تقسیم کار جدید، جامعه از حالت مکانیکی به ارگانیکی تغییر کرد و افراد برای زندگی در چنین جامعه‌ای محتاج مهارت‌ها و تخصص‌های دیگر گروه‌ها شدند. این تحولات، مناسبات اجتماعی را از شکل سنتی آن خارج کرده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۵۲).

بررسی اعتماد در مناسبات اجتماعی می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد که تا چه حد در جامعه پایگاه‌های اجتماعی جدید پذیرفته شده و از مشروعیت لازم برخوردار گردیده است و تا چه میزان با پدیدار شدن چنین تمایزات اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای آن شکل گرفته است؟ آیا همراه با تمایزات اجتماعی شکل گرفته، هنجارها و ارزش‌های جدید پیدا شده است یا اینکه جامعه دچار تأخر فرهنگی شده است، یعنی شبکه روابط اجتماعی پیچیده شده ولی ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متحول نشده‌اند؟

هر چه اعتماد بین افراد جامعه بیشتر باشد رسیدن به توسعه سریع‌تر اتفاق می‌افتد. اگر اعتماد در جامعه کم باشد جامعه از تنظیم خارج می‌شود (امیری، ۱۳۷۴: ۱۳). از این رو شایسته است میزان اعتماد بین گروه‌های شغلی مختلف سنجیده و میزان آن را با توجه به تحصیلات، جنس، سن و غیره تحلیل نمود تا بتوان با آگاهی نسبت به میزان اعتماد بین گروه‌های مختلف جامعه، راهکارهایی جهت بالا بردن اعتماد در سطح عمومی جامعه ارائه داد.

ادوارد بنفیلد میزان اعتماد را با میزان توسعه یافتگی مورد سنجش قرار داده و معتقد است در مناطقی که توسعه یافته‌تر هستند مردم به هم‌دیگر اعتماد بیشتری دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۵).

لوپزینیتور و وت ارتگا معتقدند بدگمانی و سوءظن مشخصه جوامع سنتی و در حال گذار است. در جوامع مدرن، اعتماد لازمه زندگی است؛ زیرا در این جوامع مؤسسه‌های اقتصادی و بوروکراسی‌هایی که تشکیلات اقتصادی و سیاسی مدرن دارند به الگوی قابل اطمینان و قابل پیش‌بینی وابسته‌اند و اگر حداقل اعتمادی که لازم است وجود نداشته باشد چنین جوامعی در انجام کارهای اقتصادی خود دچار مشکل زیادی می‌شوند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۶).

رونالد اینگلهارت اعتماد اجتماعی را به عنوان یکی از پیش‌نیازهای جامعه مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار می‌داند که این خود مقدمه تشکیل حزب است. وی بیان می‌کند جوامعی که اعتماد اجتماعی در آن بالاست، نهادهای دموکراتیک را بهتر پذیرفته و حفظ

می‌کنند و اعتماد افراد و قشرهای مختلف یک جامعه به یکدیگر رابطه تنگاتنگی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۹).

فرانس فوکویاما معتقد است اگر در کشورهایمانند آلمان، ژاپن و ایالات متحده آمریکا شرکت‌های فراملیتی زیادی به وجود می‌آید ناشی از اعتماد بالای افراد نسبت به هم است و اگر در کشورهایمانند ایتالیا، هنگ کنگ و تایوان شرکت‌های بزرگ جای کمتری دارند و گرایش به سمت شرکت‌های کوچک و خانوادگی است این امر ناشی از اعتماد پائین افراد این جوامع به یکدیگر است (امیری، ۱۳۷۴: ۱۳).

ماتیه دوگان (۱۳۷۴: ۳) به مطالعه رابطه میان مشروعیت و اعتماد به نهادهای سیاسی در نظام‌های سیاسی اروپا پرداخته است و معتقد است دولت‌ها در جوامع دمکراتیک از پشتیبانی مردم برخوردارند؛ ممکن است مردم در مورد صداقت و کارائی نخست‌وزیران تردید داشته باشند ولی به نظام دمکراتیک اعتماد دارند.

آلموند فرهنگ سیاسی جوامع مختلف را شامل سه نوع محدود، تبعی و مشارکتی می‌داند. در دو نوع اول مردم به هم و به نظام سیاسی اعتماد ندارند. اما ویژگی نظام سیاسی مشارکتی آن است که مردم و دولت به هم اعتماد دارند. به دیگر سخن، در این جوامع مردم خواسته‌های خود را از کانال‌های مشخص به دولت انتقال می‌دهند و زمانی که لازم باشد دولت از کمک‌های مردم برخوردار می‌شود (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۸۹). گیدنز (۱۹۹۲: ۳۳) معتقد است پیش شرط اعتماد فقدان قدرت نیست بلکه فقدان اطلاعات کامل است.

گای بنیونست (۱۹۸۷: ۸۷) معتقد است افراد زمانی به هم اعتماد می‌کنند که همه آنان قواعد بازی مشترک را بپذیرند و بر اساس آن عمل کنند تا بتوانند رفتار دیگران را پیش‌بینی کنند و در واقع بر طبق انتظارات آنها رفتار کنند و در عین حال باید این اطمینان را داشته باشند که دیگران قواعد را رعایت می‌کنند؛ حتی اگر به ضررشان باشد و احساس کنند که دیگران توانایی برای انجام عمل خاصی را دارند. اگر آنها نتوانند رفتارهای افراد را پیش‌بینی کنند یا اینکه این اطمینان را نداشته باشند که فردی در انجام عمل خاصی توانایی دارد اعتماد کمتر می‌شود.

بشیریه (۱۳۷۵: ۷۵) بیان می‌دارد؛ در جوامع دموکراتیک مخالفان به عنوان رقیب تلقی می‌شوند. اما در جوامع غیردموکراتیک به خاطر عدم وجود اعتماد در بین مردم و احزاب، مخالفان را دشمن می‌دانند و سعی در حذف مخالفان دارند. در این نوع جوامع

فرهنگ تابعیت در برابر مشارکت حاکم است که این مانعی برای توسعه است و مردم همیشه منتظر تغییرات از بالا هستند.

پارسونز معتقد است. در حالت تعادل میان نقش‌ها و انتظارات از پایگاه‌ها، هماهنگی وجود دارد. دستگاه نظارت هم چگونگی کنترل را می‌داند و بر اساس چارچوب‌های مشخص عمل می‌کند. در حالت تعادل نقش‌ها توسط افراد و اشغال‌کنندگان آن نقش‌ها پذیرفته شده هستند. در این حالت رفتارها و اعمال افراد پیش‌بینی‌پذیر می‌شود و این منجر به اعتماد میان اعضای آن جامعه می‌شود. زمانی که جامعه در حالت عدم تعادل است هماهنگی میان اجزای نظام اجتماعی وجود ندارد، دستگاه نظارت چگونگی کنترل را نمی‌داند، وظایف و نقش‌های افراد نامشخص است و رفتارها فاقد الگو است. در نتیجه، رفتارها و اعمال غیرقابل پیش‌بینی می‌شود که این منجر به عدم اعتماد میان اعضای جامعه می‌گردد (ریترز، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

ناک و کیفر (۱۹۹۷) که تحقیقی در سطح بین‌المللی انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند کشورهای که مردم آنها اعتماد بالایی نسبت به هم دارند، از رشد اقتصادی بیشتری برخوردارند.

سمسون و همکارانش (۱۹۹۷) در تحقیقی در آمریکا در شیکاگو بر روی ۱۸۸۲ نمونه به این نتیجه رسیدند هر چه اعتماد متقابل میان افراد بیشتر باشد تمایل به دخالت برای خیر عمومی بیشتر است.

لومان (Luhman)، باربر (Barber)، آیزنشتاد، کلمن (Colman)، هاردین (Hardin)، گیدنز (Giddens)، فوکویاما (Fukuyama) و سلیگمن (Schligman) از اندیشمندانی هستند که در دو دهه اخیر توجه ویژه‌ای به مبحث اعتماد اجتماعی داشته‌اند (زتومکا، ۱۹۹۹: ۵-۱۲).

بریم ورن (۱۹۹۷) در آمریکا به این نتیجه رسید که هر چه اعتماد بین‌فردی بیشتر باشد مشارکت مدنی و اعتماد به نهادهای مدنی نیز بیشتر است.

موریس (۱۹۹۸) رابطه اعتماد و میزان فقر در هندوستان را سنجید و به این نتیجه رسید ایالت‌هایی که مردم آن به هم اعتماد بیشتری دارند در کاهش فقر موفق‌تر بوده‌اند (به نقل از مسعودی، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۸).

در زمینه اعتماد مردم به بازاریان تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به جارنپا (Jarrenpaa) و همکاران (۱۹۹۴) اشاره نمود که در

تحقیقات خود پیش نیازهای ایجاد اعتماد در تجارت الکترونیک را شامل تجربه قبلی شرکت، وجود گرایش‌های بلند مدت در شرکت و احساس کنترل دانسته‌اند. دایل (Dayal) و همکاران (۱۹۹۹) به ارائه هرم اعتماد در تجارت پرداختند. در این هرم ایمنی، مشروعیت فروشنده و نحوه فروش به عنوان عوامل متمایز کننده در ایجاد اعتماد معرفی شده‌اند.

شانکر (Shankar) و همکاران (۲۰۰۲) به انجام تحقیقی در زمینه اعتماد پرداختند و سه رکن اساسی ایجاد اعتماد را قابلیت اتکا، کیفیت شرکت و احساس بعدی بیان کردند. صفدری (۱۳۷۴) در تحقیق خود با عنوان «اعتماد مردم به گروه‌های سیاسی - اجتماعی» نشان داد پنجاه و هشت درصد مردم به گروه‌های سیاسی - اجتماعی اعتماد کم دارند و تنها دوازده درصد اعتماد کامل دارند و اعتماد اجتماعی با رضایت اجتماعی همبستگی کاملی دارد. کافی (۱۳۷۴) در ایران در تحقیقی تحت عنوان «اعتماد اجتماعی» به نتایج زیر دست یافت: متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، امنیت، تعهد دگرخواهی و مقبولیت اجتماعی و اظهاری) همبستگی بالا و قابل توجهی با متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی) دارند و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند.

ملکی زاده (۱۳۷۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اعتماد متقابل بین مردم و حکومت یا بررسی نشده و نادیده گرفته شده و یا جلوه مهمی نداشته است. لذا نقش اعتماد را در روند توسعه سیاسی آشکار کرده و اشاره می‌کند اعتماد را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر وجودی توسعه سیاسی به شمار آورد؛ به طوری که اعتماد در اکثر تئوری‌ها جای خود را یافته است و به صورت یکی از پایه‌ای‌ترین مفاهیم محسوب خواهد می‌شود.

پیغمبری (۱۳۷۹) در مطالعه خود با عنوان «عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی» به این نتیجه رسید که عوامل روحیه دینی و اعتماد به فضای سیاسی جامعه و احساس امنیت بر مشارکت اجتماعی افراد مؤثر بوده است.

انعام (۱۳۸۱) با مطالعه اعتماد اجتماعی بین روستائیان روستاهای شهرستان شهریار در سطح بین‌شخصی فرضیه‌های خود را به این صورت بیان کرد: بین متغیر سرمایه اجتماعی، مقبولیت اجتماعی، امنیت، مشارکت و دینداری و اعتماد اجتماعی بین شخصی رابطه وجود دارد.

عسکری مقدم (۱۳۸۱) در پژوهش خود با هدف مطالعه وضعیت اعتماد اجتماعی در کتاب‌های فارسی دبستان از نظر نوع، شدت و جهت بیان کرد بیش از همه به اعتماد

بین شخصی توجه شده و اعتماد به تصویر کشیده شده در این کتاب‌ها با مفاهیم صداقت در گفتار و کردار، صراحت در انتقال احساسات و اطلاعات، دیگرخواهی و تعاملات اظهاری بیش از دیگر مفاهیم همخوان بوده است.

عباس‌زاده (۱۳۸۲) در مطالعه خود در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز با توجه ویژه به متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بر اعتماد اجتماعی، به برخی از عوامل اجتماعی (سرمایه اجتماعی، تعاملات همکاری‌جویانه و...)، عوامل سیاسی (عملکرد دولت، احزاب سیاسی و...) و عوامل اقتصادی (فقر، تورم و...) شناسایی شده توسط مطالعات پیشین اشاره کرده و بیان می‌کند در تبیین اعتماد اجتماعی عوامل عمده‌ای دخیل بوده و در پژوهش وی سهم عوامل اجتماعی و فرهنگی بیش از سایرین بوده است.

رجبلو (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی، اقتصادی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی» به این نتیجه رسید که سطح اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان در حد متوسط به بالا بوده و تأثیر متغیرهای تعامل اظهاری و دینداری و میزان احساس امنیت اجتماعی دانشجویان بیشتر از سایر متغیرها در سطح اعتماد اجتماعی دانشجویان مؤثر بوده و متغیرهای احساس عدالت اجتماعی، پایگاه اجتماعی، عام‌گرایی، اعتماد به عملکرد نهادهای اجتماعی و اعتماد به عملکرد رسانه‌های اجتماعی نیز با سطح اعتماد اجتماعی رابطه داشته‌اند.

در پژوهش‌های انجام شده در سال‌های ۷۹ و ۸۱ اعتماد مردم به ترتیب نسبت به صنف‌هایی چون معلمان، اساتید، ورزشکاران، پزشکان و نیروی انتظامی بیشتر بوده و هم‌چنین نسبت به گروه‌های شغلی مانند بنگاه‌داران، تجار و بازاریان و رانندگان تاکسی اعتماد کمتری داشته‌اند. آنچه در اینجا قابل توجه است پائین آمدن دو و سه درصدی اعتماد جامعه نسبت به مشاغل در سال ۸۱ نسبت به سال ۷۹ می‌باشد. پدیده مذکور می‌تواند برای یکپارچگی جامعه و توسعه ایران زنگ خطری باشد و روند دموکراسی را دچار اختلال کند.

از طرفی مردم به شغل‌ها و صنف‌هایی که با آنها رابطه اقتصادی مستقیم دارند مانند تجار، بنگاه‌داران و رانندگان تاکسی اعتماد کمتری دارند که احتمالاً به خاطر عدم وجود قوانین مشخص در این اصناف است. عدم وجود چارچوب‌های رفتاری مشخص برای این اصناف و همچنین وجود تکان‌های شدید اقتصادی منجر به آن شده که مردم پیش‌بینی

لازم نسبت به اعمال این گروه‌ها نداشته باشند. در عین حال با توجه به اینکه نظام کنترل هم خوب عمل نمی‌کند، بی‌اعتمادی نسبت به این اصناف و گروه‌ها بیشتر می‌شود. بر اساس نظریه فوکویاما هر جامعه دارای ویژگی‌های فرهنگی خاص خود است که متفاوت از ویژگی‌های فرهنگی دیگر جوامع است و اعتماد افراد بالطبع متأثر از آنها است (امیری، ۱۳۷۴: ۱۳). جامعه ایران گرچه تفاوت‌های زیادی با جوامع غربی دارد، تا حد زیادی به جوامع غربی مشابه و از جمله در ایران نیز مانند جوامع غربی تحول صنعتی شدن کم و بیش اتفاق افتاده و قشرها و گروه‌های جدیدی به وجود آمده و جامعه از مرحله همبستگی مکانیکی به مرحله ارگانیکی تغییر پیدا کرده است (آزادارمکی، ۱۳۷۹: ۵۲). لذا شاخص‌های مشترکی بین جامعه ایران با جوامع غربی در زمینه سنجش اعتماد مردم به اصناف و گروه‌های شغلی وجود دارد؛ مانند: میزان در نظر گرفتن منفعت عمومی توسط افراد صنف، انجام درست وظایف محوله، دانش و مهارت انجام کار محوله، قابلیت پیش‌بینی رفتار آنها و میزان رضایت مردم از عملکرد آنها. مرور پژوهش‌های انجام شده در کشور نشان داد تعداد معدودی پژوهش در زمینه موضوع حاضر در کشور انجام شده است. اکنون با توجه به مباحث فوق مسئله اساسی در پژوهش حاضر بررسی میزان اعتماد اجتماعی ایرانیان نسبت به صاحبان مشاغل و اصناف کشور بوده است.

در این ارتباط هشت سؤال پژوهشی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

۱. میزان اعتماد مردم به قضات در چه حد است؟
۲. میزان اعتماد مردم به رانندگان تاکسی در چه حد است؟
۳. میزان اعتماد مردم به بنگاهداران در چه حد است؟
۴. میزان اعتماد مردم به تجار و بازاریان در چه حد است؟
۵. میزان اعتماد مردم به نیروی انتظامی در چه حد است؟
۶. میزان اعتماد مردم به معلمان در چه حد است؟
۷. میزان اعتماد مردم به اساتید دانشگاه در چه حد است؟
۸. آیا در هریک از سؤال‌های فوق بین پاسخ‌های ابراز شده پاسخگویان بر حسب متغیرهایی چون جنس، سن، سطح سواد، وضع فعالیت اقتصادی و وضع تأهل تفاوت معنادار وجود دارد؟

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با عنایت به عنوان، سؤال‌های پژوهش و ابزار مورد استفاده، توصیفی از نوع پیمایشی است.

۲. جامعه آماری، تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنین پانزده سال و بالاتر مراکز استان‌های کشور بوده است. به منظور برآورد تعداد نمونه مورد نیاز در انجام پژوهش با استفاده از فرمول سرایی^۱ (۱۳۷۲) تعداد ۴۵۰۰ نفر نمونه در نظر گرفته شد که از ساکنین پانزده سال و بالاتر مراکز استان‌های کشور با توجه به درصد جمعیت مرکز هر استان در کل جامعه آماری و با روش طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی ساده انتخاب شدند.

۳. ابزار جمع‌آوری داده‌ها

ابزار مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بوده که در آن سعی شده است، میزان اعتماد اجتماعی مردم به هفت دسته صاحبان مشاغل و اصناف کشور مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. پرسشنامه مذکور دارای دو بخش بوده است.

در بخش اول پرسشنامه سؤال‌های عمومی چون سن، جنس، تحصیلات، وضع فعالیت اقتصادی و تأهل پاسخگویان مطرح شده و بخش دوم در خصوص سنجش میزان اعتماد پاسخگویان به ۷ دسته صاحبان مشاغل و اصناف کشور بوده است. طیف مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، چندگزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم و خیلی کم) می‌باشد.

برای تعیین روایی (Validity) صوری و محتوایی پرسشنامه، پرسشنامه اولیه برای صاحب‌نظران ارسال شده و میانگین ارزیابی متخصصان در خصوص روایی صوری و محتوایی پرسشنامه بیانگر روایی پرسشنامه در سطح بسیار زیاد می‌باشد و برای تعیین پایایی (Reliability) ابزار از فرمول آلفای کرانباخ استفاده و ضریب محاسبه شده برابر با ۰/۷ بوده است.

۱. فرمول مورد استفاده در نمونه‌گیری از این قرار است:

$n = N \cdot t^2 / (S^2 + t^2)$ ، $t =$ سطح اطمینان ۹۵٪ ، S^2 پیش برآورد واریانس ، $d =$ دقت احتمالی مطلوب.

۴. روش تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است. در تحلیل توصیفی از شاخص‌های آمار توصیفی چون فراوانی، درصد به همراه جداول توصیفی و در تحلیلهای استنباطی نیز پس از بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون «کالموگروف - اسمیرنوف» و هم‌چنین با عنایت به توزیع نرمال و هم‌گنی واریانس داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک از جمله آزمون «T مقایسه میانگین دو گروه مستقل»، آزمون F «تحلیل واریانس چند متغیری» و آزمون توکی «HSD مقایسه زوجی اختلاف میانگین‌ها» استفاده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

در اینجا، نتایج تحلیل آماری سؤال‌های پژوهش ارائه خواهد شد.

۵-۱ بررسی سؤال اول پژوهش

سؤال اول پژوهش عبارت بود از اینکه «میزان اعتماد مردم به قضات در چه حد است؟» تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مردان نسبت به زنان اعتماد کمتری به قضات دارند. هم‌چنین با بالا رفتن سن، اعتماد به قضات پایین می‌آید و تنها بیست و شش درصد افراد بالای پنجاه سال به قضات اعتماد زیادی دارند. به علاوه با بالا رفتن سواد، میزان اعتماد به قضات پایین می‌آید و هم‌چنین افراد شاغل نسبت به بیکاران و متأهل‌ها نسبت به مجردها اعتماد بیشتری به قضات دارند.

تحلیل‌های استنباطی در خصوص بررسی وجود تفاوت‌های معنادار در داده‌های حاصل از سؤال اول پژوهش، مبین وجود تفاوت معنادار بر حسب متغیرهای جنس، سن، سطح سواد، وضع فعالیت اقتصادی شخص و چگونگی تأهل بوده است. به عبارت دیگر، «T» محاسبه شده در متغیرهای جنس و وضع تأهل در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است و بنابراین مردان و متأهلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به قضات اعتماد دارند. از سوی دیگر «F» محاسبه شده به همراه آزمون مقایسه زوجی اختلاف میانگین‌ها (توکی) در متغیرهای سن، سطح سواد و وضع فعالیت اقتصادی شخص در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است و بنابراین افراد جوان‌تر، کم سوادتر و شاغلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به قضات اعتماد دارند.

جدول ۱. توزیع نظرات پاسخگویان و تحلیل آماری داده‌های مربوط به اعتماد به قضات

متغیر	جنس		سن			سواد						وضع فعالیت		وضع تأهل			
	مرد	زن	۲۹-۱۵	۳۰-۳۹	۵۰ به بالا	بی سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	عالی	شاغل	بیکار	خانه‌دار	محصل	بازنشسته	مجرد	متاهل
نگرش																	
کم	۳۱/۸	۲۵/۴	۲۷/۹	۳۰/۲	۲۸	۲۷	۲۸	۲۷/۵	۳۰/۷	۲۸/۹	۳۱/۱	۳۶/۳	۲۵/۳	۲۶/۲	۲۶/۶	۲۶/۶	۲۸/۵
متوسط	۳۵/۱	۳۷	۳۴/۱	۳۸/۷	۳۵/۹	۲۸/۸	۳۵/۲	۳۵	۳۵/۳	۴۲/۲	۳۷/۴	۳۲/۷	۳۶/۱	۳۴/۹	۳۴/۹	۳۷/۷	۳۷/۳
زیاد	۳۳/۱	۳۷/۶	۳۸	۳۱/۱	۲۶/۱	۴۴/۲	۳۶/۹	۳۷/۵	۳۳/۹	۲۸/۹	۳۱/۵	۳۱	۳۸/۶	۳۸/۹	۳۶/۷	۳۷	۳۴/۲
آماره	T=۲۲/۰۹۷		F=۰/۰۳۲			F=۰/۰۵۱						F=۳۶/۷۵۹		T=۵/۶۱۱			
معناداری	p=۰/۰۰۰		p=۰/۰۰۰۹			p=۰/۰۰۰						p=۰/۰۰۰۰		p=۰/۰۶۰			

۲-۵ بررسی سؤال دوم پژوهش

سؤال دوم پژوهش عبارت بود از اینکه «میزان اعتماد مردم به رانندگان تاکسی در چه حد است؟»

تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مردان نسبت به زنان اعتماد بیشتری به رانندگان تاکسی دارند. هم چنین با بالا رفتن سن، اعتماد به رانندگان تاکسی بالا می‌رود. از سوی دیگر افراد شاغل نسبت به بیکاران و متأهل‌ها نسبت به مجردها اعتماد بیشتری به رانندگان تاکسی دارند.

تحلیل‌های استنباطی در خصوص بررسی وجود تفاوت‌های معنادار در داده‌های حاصل از سؤال دوم، مبین وجود تفاوت معنادار برحسب متغیرهای جنس، سن، وضع فعالیت اقتصادی شخص و چگونگی تأهل بوده است. به عبارت دیگر، « T » محاسبه شده در متغیرهای جنس و وضع تأهل در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است و بنابراین مردان و متأهلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به رانندگان تاکسی اعتماد دارند. از سوی دیگر « F » محاسبه شده به همراه آزمون مقایسه زوجی اختلاف میانگین‌ها (توکی) در متغیرهای سن و وضع فعالیت اقتصادی شخص در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده بنابراین افراد جوان‌تر و شاغلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به رانندگان تاکسی اعتماد دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. توزیع نظرات پاسخگویان و تحلیل آماری داده‌های مربوط به اعتماد به رانندگان تاکسی

متغیر	جنس		سن			سواد					وضع فعالیت		وضع تأهل				
	مرد	زن	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ به بالا	بجواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	عالی	شاغل	بیکار	خانه‌دار	محصل	بازنشسته	مجرد	متأهل
کم	۲۸/۸	۳۷/۹	۳۶/۲	۳۰	۳۰/۷	۳۴/۳	۳۲/۸	۳۷/۲	۳۱/۶	۲۸/۹	۲۸/۴	۲۲/۸	۳۵/۹	۳۹/۷	۲۴/۴	۳۵/۹	۳۱/۷
متوسط	۴۹/۶	۴۱/۹	۴۴/۷	۴۷/۶	۴۵/۳	۴۲/۴	۴۳/۲	۴۱/۸	۴۹/۶	۵۰/۵	۴۹/۷	۴۶/۹	۴۲/۶	۴۲/۶	۵۰	۴۵/۴	۴۶/۱
زیاد	۲۱/۶	۲۰/۲	۱۹/۱	۲۲/۳	۲۴	۲۳/۲	۲۴/۱	۲۱/۱	۱۸/۸	۲۰/۶	۲۱/۹	۲۰/۳	۲۱/۵	۱۷/۷	۲۵/۶	۱۸/۷	۲۲/۲
آماره	T=۴۳/۸۰۶		F=0/۰۵۹			F=0/۰۱۰					F=۲۸/۴۶۴		T=۱۲/۱۱۳				
معناداری	P=0/۰۰۰۰		P=0/۰۰۰۰			P=0/۰۰۰۰					P=0/۰۰۰		P=0/۰۰۰۰۲				

۳-۵ بررسی سؤال سوم پژوهش

سؤال سوم عبارت بود از اینکه «میزان اعتماد مردم به بنگاه‌داران در چه حد است؟» تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مردان نسبت به زنان اعتماد کمتری به بنگاه‌داران دارند. هم‌چنین با بالا رفتن سن اعتماد به بنگاه‌داران پایین می‌آید و تنها ۵/۴ درصد افراد بالای پنجاه سال به بنگاه‌داران اعتماد زیادی دارند. به علاوه با بالا رفتن سواد میزان اعتماد به بنگاه‌داران پایین می‌آید. از سوی دیگر افراد بیکار نسبت به شاغلان و مجردها نسبت به متأهلها اعتماد بیشتری به بنگاه‌داران دارند.

تحلیل‌های استنباطی در خصوص بررسی وجود تفاوت‌های معنادار در داده‌های حاصل از سؤال سوم، مبین وجود تفاوت معنادار برحسب متغیرهای جنس، سن، سطح سواد، وضع فعالیت اقتصادی شخص و چگونگی تأهل بوده است. به عبارت دیگر، «T» محاسبه شده در متغیرهای جنس و وضع تأهل در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است بنابراین، مردان و متأهلین به طور معناداری کمتر از سایر گروه‌ها به بنگاه‌داران اعتماد دارند. از سوی دیگر «F» محاسبه شده به همراه آزمون مقایسه زوجی اختلاف میانگین‌ها (توکی) در متغیرهای سن، سطح سواد و وضع فعالیت اقتصادی شخص در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است بنابراین، افراد جوان‌تر و کم‌سوادتر به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به بنگاه‌داران اعتماد دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳. توزیع نظرات پاسخگویان و تحلیل آماری داده‌های مربوط به اعتماد به بنگاه‌داران

وضع تأهل		وضع فعالیت					سواد					سن			جنس		متغیر
متأهل	مجرد	بازنشسته	محصل	خانه‌دار	بیکار	شاغل	عالی	دبیرم	سیکل	ابتدایی	نچسواد	۵۰ به بالا	۲۰-۴۹	۱۵-۲۹	زن	مرد	نگرش
۷۶/۷	۷۰/۹	۷۷/۴	۶۸/۲	۷۱/۴	۷۹/۸	۷۸/۱	۸۰/۳	۷۵/۹	۷۰/۹	۷۲/۹	۷۰/۶	۷۵/۳	۷۸/۵	۷۰/۹	۷۱	۷۷/۳	کم
۱۹/۷	۲۴/۴	۱۹/۲	۲۶/۴	۲۲/۷	۱۶/۷	۱۹/۵	۱۷/۳	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۷	۲۳/۱	۲۰/۵	۱۸/۵	۲۴/۱	۲۳/۶	۱۹/۷	متوسط
۳و۸	۴/۷	۳/۴	۵/۴	۵/۹	۳/۴	۲/۳	۲/۴	۲/۹	۲/۹	۵/۴	۶/۳	۴/۲	۳	۵	۵/۴	۳	زیاد
T=۱۶/۹۰۳		F=۵۶/۴۹۱					F=0/۰۵۴					F=0/۰۶۳			T=۲۹/۵۷۳		آماره
P=0 /۰۰۰		P=0 /۰۰۰۰					P=0 /۰۰۰					P=0 /۰۰۰			P=0 /۰۰۰		معناداری

۴-۵ بررسی سؤال چهارم پژوهش

سؤال چهارم پژوهش عبارت بود از اینکه «میزان اعتماد مردم به تجار و بازاریان در چه حد است؟»

تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مردان نسبت به زنان اعتماد بیشتری به تجار و بازاریان دارند، هم چنین افراد شاغل نسبت به بی‌کاران اعتماد بیشتری به تجار و بازاریان دارند.

تحلیل‌های استنباطی در خصوص بررسی وجود تفاوت‌های معنادار در داده‌های حاصل از سؤال چهارم پژوهش، مبین وجود تفاوت معنادار برحسب متغیرهای جنس و وضع فعالیت اقتصادی شخص بوده است. به عبارت دیگر، «T» محاسبه شده در متغیر جنس در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است. بنابراین، مردان به طور معناداری بیش از زنانها به تجار و بازاریان اعتماد دارند. از سوی دیگر «F» محاسبه شده به همراه آزمون مقایسه زوجی اختلاف میانگینها (توکی) در متغیرهای سطح سواد و وضع فعالیت اقتصادی شخص در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است. بنابراین، افراد کم‌سوادتر و شاغلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به تجار و بازاریان اعتماد دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴. توزیع نظرات پاسخگویان و تحلیل آماری داده‌های مربوط به اعتماد به تجار و بازاریان

متغیر نگرش	جنس		سن			سواد						وضع فعالیت		وضع تأهل			
	مرد	زن	۲۹-۱۵	۴۰-۲۰	۵۰-به بالا	بی‌سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	عالی	شاغل	بیکار	خانه‌دار	محصل	بازنشسته	مجرد	متاهل
کم	۴۹/۴	۵۵/۶	۵۲/۸	۵۲/۶	۵۰/۷	۵۵/۳	۵۲/۲	۵۳/۵	۵۱/۸	۵۱	۴۹/۷	۵۵/۱	۵۵/۸	۵۲/۳	۴۷/۴	۵۲/۴	۵۲/۵
متوسط	۳۹	۳۴/۹	۳۷/۴	۳۷	۳۷/۷	۳۰/۱	۳۴/۹	۳۶/۴	۳۷/۹	۴۱/۱	۳۸/۷	۳۳/۸	۳۳/۶	۴۰/۱	۴۰	۳۷/۶	۳۶/۷
زیاد	۱۱/۵	۹/۴	۹/۷	۱۰/۴	۱۳/۶	۱۴/۵	۱۲/۹	۱۰/۲	۱۰/۳	۷/۸	۱۱/۶	۱۱/۱	۱۰/۷	۷/۷	۱۲/۶	۹/۹	۱۰/۹
آماره	T=۱۷/۶۳۹		F=0/۰۱۶			F=0/۴۷۲						F=۲۵/۱۳۱		T=۱/۰۹۲			
معناداری	P=0/۰۰		P=0/۱۱۲			P=0/۰۰۰						P=0/۰۰۰۱		P=0/۵۷۹			

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۵-۵ بررسی سؤال پنجم پژوهش

سؤال پنجم پژوهش عبارت بود از اینکه «میزان اعتماد مردم به نیروی انتظامی در چه حد است؟»

تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مردان نسبت به زنان اعتماد کمتری به نیروی انتظامی دارند. هم چنین با بالا رفتن سواد، میزان اعتماد به نیروی انتظامی پایین می‌آید. از سوی دیگر افراد شاغل نسبت به بیکاران اعتماد بیشتری به نیروی انتظامی دارند.

تحلیل‌های استنباطی در خصوص بررسی وجود تفاوت‌های معنادار در داده‌های حاصل از سؤال ششم پژوهش، مبین وجود تفاوت معنادار برحسب متغیرهای جنس، سطح سواد و وضع فعالیت اقتصادی شخص بوده است. به عبارت دیگر، «T» محاسبه شده در متغیر وضع تأهل در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده بنابراین، زنان به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به نیروی انتظامی اعتماد دارند. از سوی دیگر «F» محاسبه شده به همراه آزمون مقایسه زوجی اختلاف میانگین‌ها (توکی) در متغیرهای سطح سواد و وضع فعالیت اقتصادی شخص در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است بنابراین، افراد، کم سوادتر و شاغلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به نیروی انتظامی اعتماد دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵. توزیع نظرات پاسخگویان و تحلیل آماری داده‌های مربوط به اعتماد به نیروی انتظامی

متغیر	جنس		سن			سواد						وضع فعالیت		وضع تأهل			
	مرد	زن	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ به بالا	بی سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	عالی	شاغل	بیکار	خانه‌دار	محصل	بازنشسته	مجرد	متأهل
کم	۲۰/۳	۲۰	۱۶/۸	۱۲/۴	۱۲/۸	۱۹	۲۲/۷	۲۵/۱	۲۳/۲	۳۷/۱	۱۳/۳	۱۹/۵	۲۰/۱	۲۱/۷	۱۸/۶	۲۱/۷	۱۸/۶
متوسط	۲۵/۲	۲۹/۴	۲۹	۱۸/۵	۲۴/۵	۲۳/۵	۲۹/۳	۳۶/۱	۳۱/۷	۲۷/۱	۲۳/۹	۲۳/۷	۳۰/۲	۲۶	۲۸	۲۶	۲۸
زیاد	۵۴/۵	۵۰/۶	۵۴/۲	۶۹/۱	۶۲/۷	۵۷/۵	۴۸	۳۸/۸	۴۵/۱	۴۵/۷	۶۲/۸	۵۶/۸	۴۹/۷	۵۲/۳	۵۳/۴	۵۲/۳	۵۳/۴
آماره	T=0/۰۰۷		F=0/۱۵۲			F=۱۲۳/۲۳۱						F=۶/۸۷۲		T=۶/۸۷۲			
معناداری	P=0/۲۹۱		P=0/۰۰۰			P=0/۰۰۰						P=0/۰۳۲		P=0/۰۳۲			

۵-۶ بررسی سؤال ششم پژوهش

سؤال ششم پژوهش عبارت بود از اینکه «میزان اعتماد مردم به معلمان در چه حد است؟»

تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با بالا رفتن سن، اعتماد به معلمان بالا می‌آید و هشتاد و سه درصد افراد بالای پنجاه سال به معلمان اعتماد زیادی دارند. به علاوه با بالا رفتن سواد، میزان اعتماد به معلمان پایین می‌آید. از سوی دیگر افراد شاغل نسبت به بیکاران و متأهل‌ها نسبت به مجردها اعتماد بیشتری به معلمان دارند.

تحلیل‌های استنباطی در خصوص بررسی وجود تفاوت‌های معنادار در داده‌های حاصل از سؤال ششم پژوهش، مبین وجود تفاوت معنادار بر حسب متغیرهای سن، سطح سواد، وضع فعالیت اقتصادی شخص و چگونگی تأهل بوده است. به عبارت دیگر، «T» محاسبه شده در متغیرهای وضع تأهل در سطح $P \leq 0.01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است. بنابراین، متأهلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به معلمان اعتماد دارند. از سوی دیگر «F» محاسبه شده به همراه آزمون مقایسه زوجی اختلاف میانگین‌ها (توکی) در متغیرهای سن و سطح سواد، وضع فعالیت اقتصادی شخص در سطح $P \leq 0.01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است. بنابراین افراد مسن‌تر، کم‌سوادتر و شاغلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به معلمان اعتماد دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۶. توزیع نظرات پاسخگویان و تحلیل آماری داده‌های مربوط به اعتماد به معلمان

وضع تأهل		وضع فعالیت					سواد					سن			جنس		متغیر
متأهل	مجرد	بازنشسته	محصل	خانه‌دار	بیکار	شاغل	عالی	دپلم	تجربکار	ابتدایی	بی‌سواد	۵۰ به بالا	۴۰-۳۰	۲۹-۱۵	زن	مرد	نگرش
۳/۸	۷	۲/۸	۶/۴	۴/۵	۸/۲	۴	۴/۷	۳/۴	۶/۷	۴/۲	۲/۷	۳/۳	۴/۳	۶	۴/۸	۵/۲	کم
۱۷/۱	۱۸/۷	۱۷/۱	۱۷/۹	۱۸	۱۸/۴	۱۷/۳	۲۰/۵	۱۹/۶	۱۶/۱	۱۶/۹	۱۲	۱۴	۱۷/۲	۱۹/۱	۱۸	۱۷/۵	متوسط
۷۹/۱	۷۴/۳	۸۰/۱	۷۵/۷	۷۷/۵	۷۳/۵	۷۸/۷	۷۴/۹	۷۶/۱	۷۷/۲	۷۸/۹	۸۵/۳	۸۲/۸	۷۸/۵	۷۴/۹	۷۷/۳	۷۷/۳	زیاد
T = ۲۶/۹۸۶		F = ۲۰/۳۷۱					F = 0/۰۳۲					F = 0/۰۶۱			T = ۰/۵۱۰		آماره
P = 0/۰۰۰		P = 0/۰۰۹					P = 0/۰۰۰					P = 0/۰۰۰			P = 0/۷۷۴		معناداری

۷-۵ بررسی سؤال هفتم پژوهش

سؤال هفتم پژوهش عبارت بود از اینکه «میزان اعتماد مردم به اساتید دانشگاه در چه حد است؟»

تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مردان نسبت به زنان اعتماد بیشتری به استادان دانشگاه دارند. هم چنین با بالا رفتن سن، اعتماد به استادان دانشگاه بیشتر می‌شود و پنجاه درصد افراد بالای پنجاه سال به استادان دانشگاه اعتماد زیادی دارند. به علاوه با بالا رفتن سواد، میزان اعتماد به استادان دانشگاه پایین می‌آید. از سوی دیگر افراد شاغل نسبت به بیکاران و متأهل‌ها نسبت به مجردها اعتماد بیشتری به اساتید دارند.



جدول ۷. توزیع نظرات پاسخگویان و تحلیل آماری داده‌های مربوط به اعتماد به اساتید دانشگاه

متغیر نگرش	جنس		سن			سواد					وضع فعالیت			وضع تأهل			
	مرد	زن	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ به بالا	بی‌سواد	ابتدایی	سپیکر	دیپلم	عالی	شاغل	پیکار	خانه‌دار	محصل	بازنشسته	مجرد	متاهل
کم	۵/۵	۷/۳	۸	۴/۹	۴	۵/۲	۶/۴	۹/۷	۵/۹	۵	۴/۸	۸/۳	۶/۹	۸/۱	۳/۵	۸	۵/۳
متوسط	۲۰/۷	۲۵/۷	۲۴/۴	۲۲/۸	۱۸/۸	۱۳/۵	۳۵/۶	۲۳/۱	۲۴/۸	۲۱/۵	۲۱/۱	۲۵/۷	۲۴/۸	۲۳/۶	۲۰/۵	۲۴/۴	۲۲/۳
زیاد	۷۳/۸	۶۶/۹	۶۷/۶	۷۲/۳	۷۲/۲	۸۱/۳	۶۸/۱	۶۹	۶۹/۳	۷۳/۶	۷۲/۲	۶۶	۶۸/۳	۶۸/۳	۷۶	۶۷/۶	۷۲/۴
آماره	T=۲۴/۴۳۶		F=۰/۰۰۷۳			F=0/۰۰۰۶					F=۲۷/۷۱۳			T=۱۶/۵۷۳			
معناداری	P=0/۰۰۰		P=0/۰۰۰			P=0/۰۰۰					P=0/۰۰۰			P=0/۰۰۰			

تحلیل‌های استنباطی در خصوص بررسی وجود تفاوت‌های معنادار در داده‌های حاصل از سؤال هفتم پژوهش، مبین وجود تفاوت معنادار برحسب متغیرهای جنس، سن، سطح سواد، وضع فعالیت اقتصادی شخص و چگونگی تأهل بوده است. به عبارت دیگر، «T» محاسبه شده در متغیرهای جنس و وضع تأهل در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است. بنابراین، مردان و متأهلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به استادان دانشگاه اعتماد دارند. از سوی دیگر «F» محاسبه شده به همراه آزمون مقایسه زوجی اختلاف میانگین‌ها (توکی) در متغیرهای سن، سطح سواد و وضع فعالیت اقتصادی شخص در سطح $P \leq 0/01$ مبین وجود تفاوت معنادار بوده است. بنابراین، افراد مسن‌تر، کم‌سوادتر و شاغلین به طور معناداری بیش از سایر گروه‌ها به استادان دانشگاه اعتماد دارند.

۶. نتیجه‌گیری

در بررسی داده‌های اعتماد اجتماعی در ایران نتایج جالب توجهی مشاهده شد: مردم به گروه‌های شغلی آموزشی، ورزشی و فرهنگی اعتماد بالایی دارند. به طوری که هفتاد درصد مردم به این اصناف و گروه‌ها اعتماد خیلی زیاد داشته‌اند؛ ولی در عین حال به گروه‌های شغلی تجاری و بازرگانی و گروه‌هایی که با آنها مراودات اقتصادی و پولی دارند اعتماد خیلی پایینی دارند. شاید دلیل این عدم اعتماد نسبت به مشاغل تجاری، بازرگانی را با توجه به نظر «گای بنوینسیت (۱۹۷۸)» می‌توان به عدم امکان ارزیابی مردم از پابندی به ارزش‌های اخلاقی این گروه‌های شغلی دانست. آنچه مسلم است اقتصاد ایران شاهد چالش‌های بزرگی در صد سال اخیر بوده است؛ چالش‌هایی مانند تورم‌های سرسام‌آور، قحطی‌های بزرگ، کمبود کالاهای اساسی به طور متناوب و... این گروه‌های شغلی خواسته یا ناخواسته، در این بحران‌ها مطرح بوده‌اند مثلاً وقتی کالا یا خدمتی به هر دلیل گران می‌شود این گروه‌ها اولین گروه‌هایی هستند که در تقابل با مردم قرار می‌گیرند. در دو دهه اخیر با توجه به اینکه آزادسازی اقتصادی صورت گرفته و تا حدودی خصوصی‌سازی گسترش پیدا کرده و، درآمدهای نفتی افزایش یافته و نقدینگی زیادی، خارج از توان اقتصادی کشور، به بازار پول و سرمایه تزریق شده، و نیز با توجه به تعدیل‌های ساختاری که از سال ۱۳۶۸ به بعد شروع شد و... فشارهای اقتصادی زیادی بر مردم وارد گردید و منجر به آن شد که مردم گروه‌های شغلی تجاری و بازرگانی را که به طور مستقیم با آنها در ارتباط بودند به عنوان عاملان این مشکلات قلمداد کنند.

عامل دیگری که در بی‌اعتمادی نسبت به این گروه‌های شغلی وجود دارد با توجه به نظر پارسونز (۱۹۹۵) ارزیابی مردم از ساخت روابط اجزای اجتماع است. در جامعه ایران از تمامی گروه‌های شغلی انتظار می‌رود که منفعت عمومی را بر منفعت خصوصی ترجیح دهند و اکثر ایرانیان انتظار دارند که تمامی اجزای ساخت اجتماعی در جهت خیر عمومی حرکت کنند. ولی آنچه مردم از روابط گروه‌های شغلی - تجاری و بازرگانی می‌بینند خلاف آن است که انتظار دارند. مردم می‌بینند زمانی که دو راهی منفعت عام و خاص پیش می‌آید این گروه‌های شغلی و شاید اکثریت غالب اصناف به منفعت خاص و گروهی خود اولویت می‌دهند و حتی به این موقعیت‌ها به عنوان فرصت‌هایی برای بهره‌برداری بیشتر نگاه می‌کنند. می‌توان در مجموع عدم اعتماد مردم به گروه‌های شغلی مانند تجار، بازرگانان، بنگاه‌داران، رانندگان تاکسی و... را به عدم برآورده شدن انتظارات آنها از این گروه‌ها نسبت داد که این خود ناشی از ارزیابی مردم از عدم تعادل ساخت روابط این گروه‌های شغلی با کل جامعه و ارزیابی مردم از عدم پایداری این گروه‌های شغلی به ارزش‌های اخلاقی است.

در این تحقیق می‌بینیم که با افزایش سن افراد مورد مطالعه، میزان اعتماد اجتماعی آنها به گروه‌های شغلی بالا می‌رود و یک رابطه مستقیم و مثبت بین این دو متغیر وجود دارد که با نتایج تحقیق «امیرکافی (۱۳۷۴)» و «انعام (۱۳۸۱)» مطابقت دارد که «افراد با بالا رفتن نشان منزلت اجتماعی بالاتری کسب می‌کنند و میزان اعتماد اجتماعی بالاتری دارند» و همچنین با توجه به نظر «گای بنویسیت (۱۹۷۸)» می‌توان این امر را به تجربه‌های سنی گروه‌های سنی بالا نسبت داد. چون با افزایش سن، تجربه‌های افراد بیشتر می‌شود. این تجربه کمک می‌کند افراد در برخورد با رفتارهای گروه‌های شغلی قدرت پیش‌بینی بیشتری داشته باشند. این افراد می‌توانند راحت‌تر نسبت به جوان‌ترها رفتارهای دیگران را پیش‌بینی کنند و این منجر به اعتماد بیشتر می‌شود و همچنین موجب می‌شود که توقع خود را از تمامی اصناف و گروه‌های شغلی در حد معقولی نگه دارند. در نتیجه اکثر رفتارهای آنها را عادی و یا در دایره انتظارات خود از آن پایگاه‌ها می‌دانند و اعتماد بیشتری به اصناف و گروه‌های شغلی دارند.

از طرفی در این تحقیق می‌بینیم که افراد شاغل و بازنشسته بیشتر از افراد بیکار نسبت به گروه‌های شغلی اعتماد دارند و این متناسب با نظریه «بنفلید (۱۹۷۴)» و «موریس (۱۹۹۸)» است که «کسانی که در فقر هستند کمتر می‌توانند به دیگران اعتماد کنند». با توجه به

اینکه بیکاران کسانی هستند که دارای سرمایه زیادی برای ایجاد شغل نمی‌باشند و همچنین کاری ندارند که درآمدی از آن کسب کنند، این وضعیت طبعاً منجر به فقیر شدن بیکاران می‌شود، بنابر نظر بنفلید (۱۹۷۴) این گروه‌ها نمی‌توانند اعتماد زیادی نسبت به ساختارهای جامعه و گروه‌های شغلی داشته باشند. همچنین بیکاران به خاطر انتظاراتی که از پایگاه‌ها و ساختارهای جامعه برای ایجاد شغل برای آنها دارند و به علت عدم برآورده شدن این انتظارات اعتماد کمی نسبت به گروه‌های شغلی و جامعه دارند که با نتایج تحقیق «عباس‌زاده (۱۳۸۲)» - میزان اعتماد افراد با وضعیت اقتصادی آنها رابطه دارد - مطابقت دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد هر قدر میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه بالاتر می‌رود میزان اعتماد آنها نسبت به اصناف و گروه‌های شغلی کمتر می‌شود که حاکی از یک رابطه معکوس است که با نتایج تحقیق «امیرکافی (۱۳۷۴)» - میزان تحصیلات باعث اعتماد بیشتر می‌شود - و نتیجه تحقیق «پیغمبری (۱۳۷۹)» - تحصیلات بر اعتماد تأثیر معناداری ندارد - مطابقت ندارد. آنچه مسلم است با بالا رفتن سواد، انتظارات از جامعه بیشتر می‌شود. افرادی که تحصیلات بالاتری دارند انتظار دارند که جامعه عقلانی‌تر عمل کند. چون در جامعه ایران میان افراد و ساخت آن جامعه رابطه متقابل کاملی وجود ندارد، با توجه به نظر «پاسونز (۱۹۸۳)» اجزا به وظایف خود عمل نمی‌کنند، انتظارات از اجزا و پایگاه‌ها برآورده نمی‌شود و این منجر به عدم پیش‌بینی و عدم اتکاپذیری عملکرد گروه‌های شغلی می‌شود و چون افراد با تحصیلات بالا انتظارات بیشتری دارند، منجر به عدم اعتماد آنها به گروه‌های شغلی و صنفی می‌گردد.

در مجموع می‌توان می‌گفت اعتماد مردم به اکثر گروه‌های شغلی پائین‌تر از پنجاه درصد است و این امر با توجه به نظر «لوپز پینتورم (۱۹۹۴)» - بدگمانی مشخصه جوامع سنتی است - می‌تواند ناشی از سنتی بودن جامعه ایران باشد. جامعه ایران یک قرن است که در حال گذر از مرحله سنتی به مرحله مدرن می‌باشد. تعدادی از ساختارهای اجتماعی، مدرن شده‌اند و تعدادی از ساختارهای اجتماعی همچنان سنتی باقی مانده‌اند ضمناً هیچ‌کدام از ساختارها دیگری را در کنار خود نمی‌پذیرد و سعی دارد دیگری را حذف کند. علاوه بر این، جامعه ایران دچار تأخر فرهنگی هم هست و با توجه به نظر آزاد ارمکی (۱۳۷۹) با وجود آنکه وسایل مدرن و صنعتی وارد جامعه شده‌اند، ارزش‌ها و هنجارهای جدید به موازات آنها به وجود نیامده و ارزش‌ها و هنجارهای قدیمی هم، با این تکنولوژی جدید تطابق ندارد. این امر طبعاً منجر به عدم تعادل در میان اجزای

ساخت اجتماعی شده است. علاوه بر این، وظایف افراد در نقش‌ها نامشخص است و افراد در قالب نقش‌هایشان نظام‌مند و قاعده‌مند عمل نمی‌کنند. در نتیجه پیش‌بینی رفتار افراد در نقش‌هایشان بسیار مشکل است و انتظاراتی که از پایگاه‌ها به وجود آمده است، برآورده نمی‌شود و دستگاه‌های کنترل‌کننده نیز کار خود را به خوبی انجام نمی‌دهد و دچار انواع فسادها و کم‌کاری‌ها شده‌اند که مجموع این عوامل این منجر به بی‌اعتمادی میان افراد جامعه شده است.

پایین بودن اعتماد مردم ناشی از سیاست‌های دولتی هم می‌باشد. از یک طرف با دولتی شدن اقتصاد، اقتصاد به عنوان تابعی از سیاست‌های جاری درآمده است. در نتیجه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نه بر اساس برنامه‌ریزی‌های مشخص بلکه بر اساس سیاست حکومتی گرفته می‌شود که منجر به بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. از طرف دیگر، سیاست‌های پولی و ارزی و بحران‌های اقتصادی مانند تورم، تحریم‌ها، بی‌کاری و... که ناشی از سیاست‌های دولت‌ها می‌باشد، منجر به بی‌ثباتی و نوسان در اقتصاد می‌شود. در نتیجه مردم، اصناف و گروه‌ها را عاملین این بی‌ثباتی‌ها می‌دانند در حالی که بخش اعظم این بحران‌ها و نوسان‌ها ناشی از سیاست‌های دولت است. لذا لازم است دولت‌ها دارای برنامه‌ریزی منسجمی در زمینه‌های اقتصادی باشند.

گاهی نیز عدم کمک و حتی جلوگیری دولت در تشکیل اصناف مستقل از دولت منجر به آن شده است اصناف به جزئی از دولت تبدیل شده و در نتیجه تصمیم‌گیری‌های آنها متأثر از سیاست‌های جاری دولت‌ها باشد، به طوری که با تغییر هر دولت نوع سیاست اصناف نیز تغییر می‌کند. لذا قدرت پیش‌بینی رفتار اصناف پایین می‌آید و در نتیجه آن اعتماد کاهش می‌یابد. لذا شایسته است دولت در کارهای تخصصی اصناف دخالت نکند تا آنها بتوانند مستقل از دولت تصمیم‌گیری نمایند و منافع افراد جامعه را تأمین کنند.

همچنین لازم است دولت‌ها از دخالت اصناف و گروه‌های شغلی در سیاست جلوگیری کنند. زیرا دخالت این گروه‌ها باعث می‌شود مردم اتکاپذیری کمتری به آنها داشته باشند. در نتیجه پیش‌بینی رفتارهای آنان پایین می‌آید و منجر به پایین آمدن اعتماد مردم به این گروه‌ها می‌شود.

اگر روند اعتماد این چنین حالت نزولی پیدا کند می‌تواند منجر به عقب‌ماندگی بیشتر ایران شود و حتی دمکراتیک شدن جامعه را دچار مشکل کند. با

توجه به نظر صاحب‌نظرانی مانند «ناک و کیفر» (۱۹۹۷)، «موریس» (۱۹۹۸)، «اینگلهارت» (۱۹۹۵) و «بشیریه» (۱۳۷۵) که اعتماد اجتماعی را لازمه پیشرفت و توسعه جوامع می‌دانند، شایسته است مسئولان امر نسبت به ترمیم این بی‌اعتمادی تدابیری بیاندیشند و از نفوذ بیش از اندازه دولت به عرصه عمومی و فضای زندگی مردم جلوگیری به عمل آورند تا بدین وسیله بتوان حداقل یکپارچگی جامعه را حفظ کرد و مانع از دست رفتن بیشتر سرمایه اجتماعی گردید. همچنین لازم است برای یک بار، نخبگان جامعه تکلیف خود را با مدرنیته مشخص کنند تا از اصطکاک بیش از اندازه بین سنت و مدرنیته جلوگیری و از اتلاف منابع و تأخر فرهنگی جلوگیری شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی ۱۳۷۹. اندیشه‌نوسازی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اکبری، امین ۱۳۸۳. نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- امیر کافی، مهدی ۱۳۷۴. اعتماد اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- انعام، راحله ۱۳۸۱. بررسی اعتماد اجتماعی بین شخصی در بین روستائیان نمونه روستاهای شهرستان شهریار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- امیری، مجتبی ۱۳۷۴. پایان تاریخ و بحران اعتماد، بازاندیشی اندیشه‌های فوکویاما، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، مهر و آبان.
- اینگلهارت ۱۳۷۳. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بشیریه، حسین ۱۳۷۵. ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی، فصلنامه نقد و نظر، دفتر تبلیغات علمیه قم، تابستان و پاییز.
- بهزاد، داوود ۱۳۸۲. بررسی ارتباط بین اجزاء - سطوح و ابعاد اعتماد اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- پیغمبری، محبوبه ۱۳۷۹. عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- ریتزر، جورج ۱۳۸۳. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- رجبلو، موسی ۱۳۸۵. بررسی میزان اعتماد اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی، اقتصادی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، (واحد تهران شمال).
- شکیبا، عباس ۱۳۷۶. بررسی عوامل مؤثر بر میزان اعتماد به پایگاه‌های اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

صفدری، سلمان ۱۳۷۴. *اعتماد به گروه‌های سیاسی - اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

عباس‌زاده، محمد ۱۳۸۲. *بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی.

عسکری مقدم، رضا ۱۳۸۱. *بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی دبستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

ماتیبه، دوگان ۱۳۷۴. *سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، مترجم پرویز پیران، ش ۹۷ - ۹۸، مهر و آبان.

ملکی‌زاده، اکبر ۱۳۷۴. *بررسی نقش اعتماد متقابل مردم به حکومت در توسعه سیاسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق و علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه امام صادق (ع).

میرموسوی، سیدعلی ۱۳۷۵. *مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی، فصلنامه نقد و نظر*، دفتر تبلیغات علمی قم.

مسعودی، غزاله ۱۳۸۳. *بررسی میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان*، پایان‌نامه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹. *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۱. *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*.

ورسلی، پیتر ۱۳۷۳. *جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپ پخش.

ویژنامه نروروزی روزنامه اعتماد ۱۳۷۸. *بخش اقتصادی*.

- Dayall, S., Landesberg, H., Zeisser, M. 1999. "How to build trust online", Marketing Management, fall, pp: 64-69.
- Gay, Benveniste 1978. "Professionoliginy the organization, sanfraneisvco"; jessey Bass Publishers.
- Giddens, Antony 1992. "The consequences of modernite", British library eatoloquing in publication data.
- Jarrenpaa, S.L & Leidner, D.E. 1999. "Communication and Trust in Global Virtual teams". organization Science, vol 10, pp791- 815.
- Jorj E.T.Trastand 1999. "Confidance (evet kovich)", Research, western institute for Social Research.
- Shankar, V. Urbarn, G.L & Sultan, F. 2002. "Online trust: A Stake holder Perspective", Information Systems, No.11, pp: 325-344.
- Sztompka, P. 1999. "Trust a Sociological Theory" Combridge: Combridge University Press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی